یادداشت

انگار که طاقت شده‌ایم

نگار فیض‌آبادی

تقریباً ذکر مدام افرادی که سنی از آن‌ها گذشته، این است که «قدیم‌ها جوونا صبر و حوصله‌شون بیشتر بود، زود خسته نمی‌شدن. اما جوون‌های امروزی، زود کم میارن. کافیه شکست بخورن. فوری پا پس می‌کشن» نمی‌دانم چقدر موافق این دیدگاه هستید. با خودتان می‌گویید جوان‌های امروزی کجا و دیروزی‌ها کجا؟ یا نه اصولاً اعتقادی به مرزبندی‌های این چنینی ندارید.

کتاب‌های امیدبخش

اگر بخواهم دیدتونلی و متعصبمان را کنار بگذارم باید بگویم انگار قدیمی‌ها بیراه نمی‌گویند. انگار کم‌طاقت شده‌ایم. همین چند روز پیش بود که شنیدم دختری به خاطر اختلافات خانوادگی دست به خودکشی زده. از این نمونه‌ها کم نداریم. جوان‌هایی که فکر می‌کنند به آخر خط رسیده‌اند و ترجیح می‌دهند با مرگ خودخواسته، هر چه زودتر مجلس ختم زندگی را برگزار کنند. اما باید چه کار کرد؟ کتاب‌ها چقدر قدرت امیدبخشی دارند؟ شاید به قول قدیمی‌ها، ما جوان‌های امروزی زود کم می‌آوریم چون فکر می‌کنیم در یک زندگی نفس‌گیر، تک افتاده‌ایم و در حالی که فکر می‌کنیم مرغ همسایه غاز است همسایه‌مان به جای مرغ بریانی، نان خشک می‌خورد. اما باید جایی این «بی‌خبری» را تمام کرد و به سراغ خواندن زندگی‌نامه‌های انسان‌های برجسته رفت و فهمید که زندگی با هیچ کدام از ما سر دشمنی ندارد و اگر سختی هست، همه آن را تجربه می‌کنیم و نه فقط بعضی‌ها.

عصاره یک زندگی

هوشنگ مرادی کرمانی در کتاب «شما که غریبه نیستید» مخاطبانش را غریبه نمی‌داند و لایه‌های پنهان زندگی‌اش از کودکی تا نوجوانی را با آنها به‌اشتراک می‌گذارد. نویسنده با شجاعت و جسارت، روی نقاط تاریک زندگی‌اش، نورافکن می‌اندازد و آن را نشان خواننده می‌دهد. شما که غریبه نیستید، روایتی ست داستان گونه درباره کودکی روستایی که مادرش را خیلی زود از دست داده و پدرش هم درگیر بیماری روانی بوده است. مرادی کرمانی، در روایت‌هایش اهل پنهان کاری نیست و وقتی این جملاتش را می‌خوانید متوجه می‌شوید او عصاره یک زندگی را با شما در میان گذاشته: «این داستان‌ها، حاصل چنگ زدن و تلاش من در زندگی است؛ یعنی من به زندگی خودم چنگ زدم و آن را به تصویر کشیدم و داستان‌هایم همه ریشه در زندگی من دارد».

نقطه عطف برای خواننده

سرگذشت زندگی مرادی کرمانی نشان می‌دهد که «نوشتن» هم می‌تواند التیامی برای زخم‌های نویسنده باشد و هم نقطه عطفی برای خواننده کتاب. تا جایی که او می‌نویسد: «وقتی می‌نوشتم سبک می‌شدم. صفحه سفید کاغذ بهترین کسی بود که حرف‌هایم را گوش می‌کرد، گوش می‌کرد و گوش می‌کند. صفحه سفید کاغذ مسخره‌ام نمی‌کند. چیزهایی که می‌گویم در دلش نگه می‌دارد. چیزی را به رُخم نمی‌کشد. آزارم نمی‌دهد. دلسوزی بیجا نمی‌کند. نیش نمی‌زند. پدر، مادر، خواهر و برادر و همه کَسم است.» مردم از هر گروه سنی با خواندن زندگی‌نامه‌ها می‌توانند به این بینش برسند که فقط زندگی خودشان نیست که تاریک است. بعد می‌توانند به یک تجربه مشترک انسانی برسند و دنبال روشنی‌های زندگی خودشان بگردند. اینجاست که یک کتاب قادر است نقطه عطفی برای خواننده باشد.

کتاب‌هایی که درمانگر هستند

اگر فکر می‌کنید زندگی، باقدرت هر چه تمام‌تر، پایش را روی گلوی شما گذاشته، به سراغ زندگی‌نامه‌خوانی بروید. گاهی همه ما با خودمان می‌گوییم «دیگه کم آوردم». به وقت بریدن از زندگی، کتاب‌هایی مثل «شما که غریبه نیستید» می‌توانند بی چشمداشت، دست شما را بگیرند و کمکتان کنند از جایی که هستید یک‌قدم جلوتر بیایید. شاید بشود گفت این دست کتاب‌ها حتی می‌توانند برای مخاطبان خاصیت درمانی داشته باشند.

پای یک «نیاز» در میان است

دقیقاً باید واژه «نیاز» را به کار ببرم و بگویم نوجوانان و جوانان ما به خواندن سرگذشت افراد موفق دنیا و مخصوصاً ایران نیاز دارند و لازم است فرهنگ زندگی‌نامه‌خوانی رواج پیدا کند. بخشی از ریشه غم‌ها، دلسردی‌ها و ناامیدی‌های انسان به این برمی‌گردد که فکر می‌کند فقط کام خودش از زندگی، تلخ‌شده و وقت آن رسیده که به غریبگی‌مان خاتمه بدهیم و شجاعانه به سراغ خواندن زندگی‌نامه‌ها برویم. خدا را چه دیدید شاید با خواندن کتاب‌هایی مشابه «شما که غریبه نیستید» خودتان هم عادت محافظه‌کاری را کنار گذاشتید و سرگذشت زندگی‌تان را به سبک مرادی کرمانی‌ها نوشتید.

PDF Compressor Free Version

گنجشکی مثل آدم می‌گریست

گذر و نظری بر مجموعه شعر «سمت حرف» اثر محمد حسین مدل



محمد مهاجری

سمت حرف رفتن آن هم به سبک کتابی که نامش «سمت حرف» است نیازمند یک دانایی آرام است. چراکه در پایان، سکوتی که در انتظار توست، بی‌سبب سیب و ستاره نیست: «همین که نمی‌گویم/چشمانم پُر از لبان توست/ترس را اما/جز از حادثه‌ای در عمق نمی‌پوشم».

«سمت حرف» نام آخرین دفتر شعر محمد حسین مدل تا به امروز است که توسط نشر داستان سرا روانه قفسه کتابفروشی‌ها شده است. شعر و شاعری محمد حسین مدل به سال‌های دور باز می‌گردد. تا آنجا که اولین تکانه‌های جدی شعر او در اوایل دهه پنجاه اتفاق می‌افتد. دوران آشنایی با شاعری چون منوچهر آتشی که این آشنایی منجر به تحول در درک و دریافت‌های شعری او می‌شود. بعدها در همسایگی با زبان شعری یدالله رویایی به وضعیت تازه‌ای در شعر خود می‌رسد. به یک بیان کلی باید گفت، مدل شاعری با مخاطب است.



گاهی زبان شعری یک شاعر چندان برجسته است که حتی در غیاب شاعر و بی امضای او هم می‌توان دریافت که این شعر از آن کیست و درست در همین لحظه است که هویت زبانی اتفاق می‌افتد

هرچند بیشتر مخاطب خاص دارد اما گرایش‌های مضمونی شعر او گاهی هم حکایت از دعوت مخاطب عام دارد، خاصه در سمت حرف.

گفتگوهای بدون دیدار، لحظه‌های بی‌وقت، افشای بیداری، کنار جدایی، حتای مرگ، عبارت از چیست و جدایی گفتگو، آثاری هستند که تاکنون از مدل منتشر شده است. «سمت حرف» اما از منظر زیبایی شناسی شعر، جایگاهی متفاوت از دیگر آثار این شاعر دارد. جدای از حال و هوایی که در متن کتاب است باید گفت فرم فیزیکی کتاب هم بسیار زیبا منتشر شده است و زیباتر طرح روی جلد کتاب است که مخاطب را ترغیب به خرید آن می‌کند. این مجموعه ۱۲۸ شعر کوتاه بی‌نام را در بر دارد که انگار جملگی در یک شعر بلند آفریده شده‌اند. در این دفتر می‌توان شعر محمد حسین مدل را در جستجوی نوعی سکون و آرامش شاعرانه معنا کرد. «طعم خموش من از/عمود لحن تو وقتی می‌افتد/می‌ریزم از بمیرم عشق/و بیدار می‌شوم/هر بار که بی‌تو از بمیرم می‌میرم». من فکر می‌کنم زبان شعر مدل گاهی آنقدر ساده است که از فرط سادگی پیچیده به نظر می‌رسد و برعکس. یعنی توقف در سطرهای این مجموعه به ندرت اتفاق می‌افتد. چراکه انگار هر سطر در ساپورت سطر بعدی نوشته شده است. این تکنیک یکی از کارکردهای رایج زبان شعری مدل است. زیبایی این گونه چیدمان واژگانی در واقع حمایت پنهان از مخاطب است که منجر به صمیمیت ذهن و روح شاعر با مخاطب می‌شود: «همیشه/گفتن چیزی/نگفتن چیزی‌ست/سفر می‌کنم/سفر به سیاه/سفید/سرخ/در پی حرفی/که شروعی باشد برای گفتن چیزی».

پرتاب‌های ذهنی شاعر در بعضی از شعرهای این دفتر گاهی تا جایی پیش می‌رود که جنون محض را در ذهن تداعی می‌کند. جنونی که افسار اسب وحشی ناخوداگاه آدمی را در دست می‌گیرد و آن را چنان وادار به رامش می‌کند که آرزوی خوداگاه هر کسی‌ست: «درد صدایم را کر کرده/و باز تاب همچنان با درد/مسیر چند قدم تا خودم را/بلعیده است/با تو/از هوایت اگر گذشته‌ام/درد از هوای خودم را/پاشیده‌ام بر نگاه من و تو/و از من و تو، من/دیری‌ست که مرده‌ام».

گاهی زبان شعری یک شاعر چندان برجسته است که حتی در غیاب شاعر و بی امضای او هم می‌توان دریافت که این شعر از آن کیست و درست در همین لحظه است که هویت زبانی اتفاق می‌افتد. شاعرانی که به مرحله هویت زبانی می‌رسند انگار به مقصد رسیده‌اند و به موازات آن، شأن شاعرانه‌ای را تجربه می‌کنند که آنها را از دیگر شاعران متمایز می‌کند. بی‌اغراق می‌توانم بگویم من در «سمت حرف» این هویت زبانی را حس کردم. از نکات برجسته این مدعا حجم خلاقیت‌های زبانی این دفتر است. تا جایی که در متن بعضی از شعرها، گاهی نشانه‌هایی از یک بیان تازه را می‌توان احساس کرد: «حرفی بلند/برای کسی که ذره ذره‌اش را/کشیده‌اند به دار/چقدر کوتاه است». «سمت حرف» گاهی یک مونولوگ عاشقانه است و گاهی یک حضور قاطع در قامت معنا. رفتن به لایه‌های تودرتوی این کتاب، نیازمند فهمیدن یک حرف است. حرفی که هم‌درد حافظ است و هم‌حرف شاملو که می‌گفت، در میان همه جانداران زمین تنها انسان است که جامه به تن دارد و آستین‌اش از اشک، تر است. به شهود شاعرانه این شعر نگاه کنید: «گنجشکی مثل آدم می‌گریست برای/آدمی مثل کبوتر/که هر روز کشته می‌شد وقتی می‌مُرد، بی دشنه، بی تپانچه/با حرف‌هایی کشنده/کاری‌تر از تمام سلاح‌هایی که می‌مَرگانند/و جان آدمی/ذره ذره می‌سوخت/در لابه‌لای بال و پر گنجشکی که افتاده بود/به دام دانه‌ای در دام». جهان شعری محمدحسین مدل، مدیون تأویل‌های متنوع اوست. رد پای این نگاه در عاشقانه‌های شاعر مشهودتر است: «میمِ مهار توافتاد/وقتی میمِ مهار توافتاد/مَن هار بودم/و عاشقت شدم. و یا در نمونه‌ای دیگر: در آن حالای تنم/وقتی که انگشت‌های تو/روشن می‌شود بر اندام تشنه‌ام/نوشتنت را/رها می‌کنم و/لحن دیدن را/در تو التماس می‌کنم. نمونه‌ای دیگر: مثل اره‌ای دو دم/می‌در انی‌ام/نگاهت که می‌کنم از هر سو/و کاف کفر در جیب‌هایت/خوابی‌ست/که روزِ حرف‌هایت را/در پس چهل پرده‌ی پنهان/خاموش کرده است». در ذهن و زبان سراینده «سمت حرف»، برتری فرم بر محتوا انکار کردنی نیست. در بیشتر شعرها این اتفاق افتاده است که زبان فرم یک شاعر حتا گاهی فرازبان حرکت کرده است. در این مسیر به برخی از شعرها آسیب رسیده است. برای نمونه: «وقتِ نگاه من/تنی تب‌دار/تنِ نگاه شد/و دارِ تبی تنیده در هوا/تبِ جان را تاباند/در بیم زندگی». این عدم توازن فرم با محتوا، شکوه شعر را آشفته می‌کند. با این همه تعداد شعرهای خوب این دفتر آنقدر هست که این دست از شعرها کمتر به چشم بیایند. قسمتی از شعر خوب چهل و یک: «نام کیست را/اگر بریزم بر لبانتان/گریه خون می‌شود/بر چشم‌هاتان/کیست نشسته به بیداری‌ام و/مدام نشانم می‌دهد کشته‌ی خواب‌هایم را...»

برنده جایزه ادبی «آرتورسی. کلارک» معرفی شد



رمان «رویاهایی پیش از شروع زمان» موفق به کسب جایزه «آرتور سی. کلارک» ویژه ادبیات علمی ـ تخیلی شد. به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، رمان «رویاهایی پیش از شروع زمان» نوشته «آن چارناک» که جایزه «آرتور سی. کلارک» ۲۰۱۸ را به عنوان مهمترین جایزه ادبیات علمی ـ تخیلی بریتانیا از آن خود کرده درباره زمانی در آینده است که موضوع نازایی و ناباروری به طور کلی در مان شده و افراد ترجیح می‌دهند برای بچه‌دار شدن از رحم‌های مصنوعی استفاده کنند. این رمان که داستان آن در حال و هوای سال ۲۰۳۴ در لندن روایت می‌شود به بررسی مساله تصمیم درباره باروری از نگاه افراد گوناگون و در نسل‌های متفاوت می‌پردازد. «آن چارناک» این جایزه ادبی را در رقابت با «جف واندرمیر» با رمان «بیوتک»، «عمر العکاد» با رمان «جنگ آمریکایی»، «یروسلاو کالفار» با رمان «فضانورد بوهمیا»، «رابرت کارگیل» با رمان آخر الزمانی «دریای زنگار» و «جنی ملامد» با رمان «دختران را جمع کن» کسب کرد که همراه با جایزه ۲۰۱۸ پوندی بود. جایزه ادبی «آرتور سی. کلارک» با هدف تقدیر از بهترین‌های ادبیات علمی ـ تخیلی منتشر شده در انگلستان، به‌طور سالانه برگزار می‌شود و یکی از معتبرترین جایزه‌های ادبی انگلیس است که از سال ۱۹۸۷ برای بزرگداشت «آرتور سی. کلارک»، نویسنده معروف داستان‌های علمی ـ تخیلی، راه‌اندازی شد و در اولین دوره آن از کتاب «قصه‌ی ندیمه» نوشته «مارگارت اتوود» برنده اعلام شد.

معرفی کتاب

توصیه‌های خواندنی «توسعه ایرانی»

کتاب‌هایی که باید خواند

فرشاد سروش

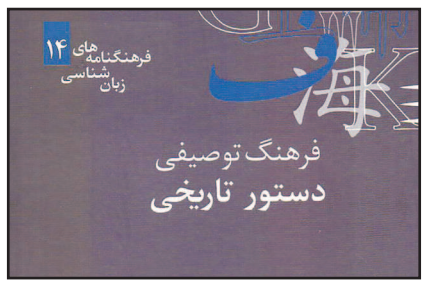
مطابق معمول هر هفته در این صفحه شما مخاطبان محترم روزنامه را با چند کتاب خواندنی و باارزش در حوزه‌های مختلف آشنا می‌کنیم و قصد داریم در هر شماره از صفحه کتاب این روند را به درستی و راستی ادامه دهیم.

فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی

نویسنده: دکتر احسان چنگیزی

ناشر: علمی

دستور تاریخی توصیف تحولات زبان در ادوار مختلف تاریخی و روابط بین این تحولات است. در «فرهنگ توصیفی دستور زبان فارسی» با جست‌وجو در دستور زبان‌های دوره باستان، ایرانی میانه غربی، فارسی دری و نیز منابع دستور تاریخی زبان فارسی، مدخل‌ها انتخاب و در ذیل هر مدخل نخست تعریفی از آن ارائه و سپس نمونه‌هایی از دوره‌های سه گانه زبان فارسی نقل و گیرا از نظریه‌های چامسکی ارائه می‌کند. همان‌طور که خود او می‌گوید، در نوشتن این کتاب از چامسکی کمک گرفته و از راهنمایی‌های او استفاده کرده است. بینش‌های چامسکی در این کتاب می‌تواند پرتوی بر نظریات میانه در باب جهانی شدن بیندازد.



چامسکی و جهانی شدن

نویسنده: جرمی فاکس

ترجمه محسن محمودی

ناشر: مهرگان خرد

برخی نوام چامسکی را به‌عنوان «نیشتین زبان‌شناسی مدرن» ستوده‌اند و برخی دیگر او را روشنفکر و دگراندیش سیاسی سازش‌ناپذیر و منتقد اجتماعی می‌شناسند. این کتاب به بررسی دیدگاه‌های چامسکی در باب هژمونی اقتصاد جهانی و نظم نوین جهانی می‌پردازد. جرمی فاکس در این کتاب روایتی دست اول شده است. تدوین این فرهنگ کوششی است برای پیوند بین دو شاخه هم‌زمانی و درزمانی زبان فارسی. دکتر احسان چنگیزی، نویسنده کتاب، عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است. این کتاب برای دانشجویان و علاقه‌مندان حوزه‌های زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی ایران بسیار مفید خواهد بود.



میان کلام و فلسفه

نویسنده: حسن انصاری

ناشر: کتاب رایزن

این کتاب مجموعه‌ای است از مقالات دکتر حسن انصاری، عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات عالی پرینستون و عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دربارهٔ کلام و فلسفه و تاریخ تحولات این دو دانش مهم در تمدن اسلامی. یکی از این مقالات درباره «مکتب تفکیک» است که به آخرین تحولات درباره مناسبات کلام و فلسفه می‌پردازد. بخشی از مقالات این مجموعه ساختار کتاب‌شناختی دارد و برخی ساختاری تحلیلی. در این میان، بحث از تحولات ادبی در ژانرهای مختلف کلام و فلسفه از نکات مورد توجه در این مجموعه مقالات است. کما اینکه بخشی هم به موضوع ادبیات امامت‌نویسی در میان معتزله و زیدیه اختصاص یافته است و از این رهگذر به مطالعه مناسبات میان تشیع و اعتزال پرداخته است. در مقالات متعددی نیز به ادبیات متکلمان معتزلی پرداخته شده و از این رهگذر تلاش شده مهم‌ترین مسئله‌ها و موضوعات و همچنین رویکردها و مکاتب مختلف کلامی اهل اعتزال مورد مطالعه قرار گیرد. بخشی هم به ادبیات فلسفی و به‌ویژه مکتب ابن سینا و شاگردان خراسانی او اختصاص یافته است. چاپ کتاب، مثل چاپ دیگر کتاب‌های انتشارات کتاب رایزن، بسیار چشم‌نواز و دل‌چسب است و قطعاً برای مخاطبان هم جذابیت مضاعف خواهد داشت.



مردگان باغ سبز

نویسنده: محمدرضا بابایرامی

ناشر: افق

رمان «مردگان باغ سبز» در بستری تاریخی مبارزه بین قشون شاه و حزب توده را بر سر مسئله آذربایجان و انتخابات دوره پانزدهم مجلس روایت می‌کند. چاپ‌های قبلی این رمان در انتشارات سوره مهر حاشیه‌های زیادی ایجاد کرد و حتی در مقطعی جلوی انتشار آن گرفته شد. حالا نشر افق چاپ جدید و زیبایی از این کتاب ارائه داده است. «مردگان باغ سبز» به زبان روسی در کشور روسیه نیز منتشر شده و جایزه اوراسیا را دریافت کرده است. همچنین، به‌عنوان یکی از ده اثر برگزیده بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب مسکو معرفی شده است. ترجمه آذری این رمان نیز در دست انتشار است.

